

مهاجرت و استخدام پزشکان آلمانی یهودی در ایران در دوره رضاشاه، به روایت اسناد و مکاتبات

چکیده

موضوع این پژوهش بررسی نقش و اقدامات دولت ایران بر اساس اسناد و مکاتبات رسمی و همچنین تحلیل انگیزه‌ها و اقدامات پزشکان مهاجر آلمانی یهودی از طریق مطالعه درخواست‌ها و مکاتبات آن‌ها با دولت ایران است که با تکیه بر اسناد و مکاتبات دولتی و به شیوه اسنادی-کتابخانه‌ای گردآوری شده و با روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی و واکاوی قرار می‌گیرد. یافته پژوهش حاکی از آن است که دولت ایران برای نوسازی زیرساخت‌های درمانی تلاش‌هایی برای جذب پزشکان خارجی انجام داد و عواملی مانند به قدرت رسیدن نازیسم در آلمان در سال ۱۳۱۲ش/۱۹۳۳م و بیکار شدن پزشکان یهودی، این روند را تسهیل کرد و امکان استخدام برخی از این پزشکان را برای دولت ایران فراهم ساخت. با این حال، ناکارآمدی‌های اداری، نگرانی‌های سیاسی و محدودیت‌های قانونی، مانع بهره‌برداری کامل از این ظرفیت شدند. در نهایت، مطالعه حاضر تاکید می‌کند که ترکیبی از فرصت‌ها و چالش‌ها در این فرآیند، همزمان باعث پیشرفت و محدودیت در نوسازی نظام سلامت ایران طی دوره رضاشاه شده است.

واژگان کلیدی: پزشکان آلمانی یهودی، رضاشاه، زیرساخت‌های درمانی، نازیسم، نوسازی

مقدمه

بررسی سال‌های حکومت رضاشاه (۱۳۰۴-۱۳۲۰ ش) برای درک تاریخ معاصر ایران اهمیت زیادی دارد. این دوره با تحولات عمیق در تمام زمینه‌ها، به‌ویژه تحت تأثیر تمایل رضاشاه به نوسازی کشور، همراه بود. دولت با جدیت سیاست‌های توسعه‌گرایانه و مدرن‌سازی زیرساخت‌ها را دنبال می‌کرد. یکی از حوزه‌های اصلی نوسازی در این دوره، بخش بهداشت و درمان بود. اقداماتی مانند ساخت درمانگاه‌ها و بیمارستان‌ها، اعزام دانشجویان به خارج برای تحصیل در رشته‌های مرتبط با پزشکی، خرید تجهیزات پیشرفته درمانی از خارج، و استخدام پزشکان، متخصصان و پرستاران خارجی با هدف تکمیل کادر درمانی و آموزش علمی نیروهای ایرانی انجام شد. با این حال، کمبود منابع مالی، فاصله ایران از کشورهای پیشرفته، و شهرت آن به‌عنوان کشوری توسعه‌نیافته، اجرای این اقدامات را برای دولت دشوار کرده بود اما رضاشاه برای پیشبرد اهداف نوسازی کشور، به جذب کارشناسان خارجی نیاز داشت و آلمانی‌ها، به‌صورت رسمی و غیررسمی، نقشی کلیدی در تأمین این نیاز ایفا کردند، زیرا آلمان که پس از شکست در جنگ جهانی اول در تلاش بود قدرت پیشین خود را بازسازی کند، به‌ویژه در زمینه اقتصادی به دنبال بازارهای جدیدی برای نیروی انسانی متخصص مازاد و محصولات خود می‌گشت. در همین راستا، این کشور پایه روابط اقتصادی خود با ایران را تقویت کرد و با گسترش فعالیت‌های اقتصادی در ایران و ترکیه، درصدد جبران زیان‌های وارده از جنگ جهانی اول برآمد. به‌طوری که، در نوشته‌های سفرای آلمانی در ایران مانند ویپورت فون بلوشر، به تمایل دولت آلمان برای تأمین نیروی انسانی متخصص مورد نیاز ایران اشاره شده و از تغییر رویکرد این کشور، که دیگر به استفاده انحصاری از اتباع آلمانی در کشورهای غربی محدود نبود، خبر داده شده است. (Von Blücher, 1949: 332)

مهاجرت نیروی کار آلمانی یهودی به ایران به علت آن بود که با قدرت‌گیری آدولف هیتلر، ناسیونالیست افراطی آلمانی، در سال ۱۹۳۳ میلادی، نازی‌ها سیاست‌های یهودستیزی گسترده‌ای را در ابعاد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آغاز کردند. این سیاست‌ها به اخراج یهودیان از مشاغل مختلف منجر شد و موجی از مهاجرت گسترده آنان را به دنبال داشت، پدیده‌ای که بعدها به یکی از بحران‌های جهانی تبدیل شد. در سال‌های اولیه حکومت رایش سوم، یهودیان از ادارات دولتی، رسانه‌ها، بورس، بخش کشاورزی، آموزش، هنر، سینما و تئاتر به‌طور سیستماتیک طرد شدند، در حالی که تحریم‌های رسمی علیه اشتغال یهودیان در حرفه‌های حقوقی، پزشکی و بازرگانی تا سال ۱۹۳۸ میلادی قانونی نشد، تا پایان دوره چهار ساله نخست حکومت نازی‌ها، یهودیان عملاً از این عرصه‌ها حذف شده بودند. یکی از مهم‌ترین گروه‌هایی که تحت تأثیر این سیاست‌ها قرار گرفتند، پزشکان یهودی بودند. (شایرر، ۱۳۶۰: ۳۸۲) بر اساس برنامه «داروینیسیم اجتماعی» و ایدئولوژی «پاکی نژادی» نازی‌ها، شمار زیادی از پزشکان یهودی و حتی پزشکان زن آلمانی از مشاغل خود برکنار شدند. در حالی که پزشکان زن آلمانی این امکان را داشتند که در جایگاه‌های دیگری مانند قابله یا ماما فعالیت کنند، پزشکان یهودی عملاً بی‌کار گشته و از کار در آلمان محروم شدند. این تحولات باعث شد بسیاری از پزشکان یهودی به مهاجرت روی آورند. در سپتامبر ۱۹۳۳ میلادی، با آغاز موج نخست مهاجرت یهودیان از آلمان، سازمان‌های یهودی در برلین اقداماتی را برای تسهیل این روند آغاز کردند. این اقدامات شامل یافتن مقصد مناسب برای مهاجران، انتقال کالاها و منابع مالی آنان، مذاکره برای تضمین حداقل مزد و ارائه لیست‌های متقاضیان مهاجرت به سفارتخانه‌ها بود و بر اساس مکاتبات

تاریخی، یکی از این لیست‌ها که از سفارت ایران در ورشو ارسال شده بود، شامل ۱۴۷ کارشناس آلمانی یهودی بود که بر اساس تخصص دسته‌بندی شده بودند. فهرستی مشابه نیز از سفارت ایران در ترکیه دریافت و برای بررسی به تهران ارسال شد. در نهایت در سال ۱۹۳۵ میلادی، سازمان‌های یهودی در آلمان برای مدیریت بهتر این مهاجرت‌ها، در قالب یک کمیته مرکزی ادغام شدند.

در خصوص پیشینه تحقیق گفتنی است؛ بیشتر پژوهش‌های انجام شده در حوزه مهاجرت آلمانی‌ها درخصوص حضور و فعالیت کارشناسان صنعتی و فنی آنان در دوره رضاشاه است، اما موضوع مهاجرت و فعالیت پزشکان آلمانی، به‌ویژه پزشکان آلمانی یهودی، کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است و مطالعات محدودی در این زمینه وجود دارد. به بیان دیگر، درباره مهاجرت پزشکان آلمانی یهودی به ایران به‌منظور فرار از نازیسم نیز پژوهش مستقلی که به‌طور جامع بر این موضوع تمرکز داشته باشد، در دسترس نیست. در این راستا، به چند پژوهش با بیشترین میزان اهمیت و ارتباط به موضوع پژوهش اشاره می‌شود:

شهرضایی در پژوهشی به نام «دولت ایران و متخصصان مهاجر آلمانی (۱۳۱۹-۱۳۱۰)» که در سال ۱۳۷۴ بر اساس اسناد موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران انجام داده، به بررسی موضوع مهاجرت کارشناسان آلمانی پرداخته است. وی با تحلیل دقیق ۱۱۲ صفحه سند، سیر تحولات و تصمیم‌گیری‌های دولت ایران در خصوص مهاجرت کارشناسان آلمانی یهودی را به صورت زمان‌بندی شده تشریح کرده است. ویلم فلور در پژوهش خود به نام «تاریخ بیمارستان‌ها در ایران: از سال ۵۵۰ تا ۱۹۵۰ میلادی» که در سال ۱۴۰۰ منتشر شده است، به تاریخچه بیمارستان‌ها در ایران از دوران ساسانیان تا پایان حکومت پهلوی دوم پرداخته است. وی در این پژوهش، به طور ویژه به نقش و فعالیت پزشکان و کادر درمان آلمانی در نظام سلامت ایران اشاره کرده است. ورنر رودر و هربرت اشتراوس در کتابی به نام «فرهنگنامه بین‌المللی زندگینامه مهاجران اروپای مرکزی (۱۹۳۳-۱۹۴۵)» که در سال ۱۹۹۹ میلادی به چاپ رسیده است، فهرستی از اسامی کلیه مهاجران یهودی از اروپای مرکزی ارائه کرده‌اند که در آن به نام برخی پزشکان یهودی مهاجر به ایران نیز اشاره شده است. هرچند اطلاعات موجود در این اثر جامع و کامل نیست، اما به دلیل کمبود منابع معتبر در این حوزه، می‌توان آن را دست‌کم به عنوان منبعی اولیه برای ارائه فهرستی از نام‌ها به پژوهشگران، مورد استفاده قرار داد.

پژوهش حاضر با استفاده از منابع تاریخی معتبر، به بررسی تأثیر پزشکان مهاجر آلمانی یهودی بر سیستم بهداشت و درمان ایران پرداخته و تلاش دارد تا با تکیه بر اسناد دولتی، تصویری روشن از نقش و اقدامات این گروه ارائه دهد. این پژوهش که به‌صورت اسنادی-کتابخانه‌ای انجام شده، از اسناد دست‌اول سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران بهره گرفته و بر تحلیل ابعاد گوناگون این مسئله تمرکز دارد.

پرسش اصلی این پژوهش اینست که زمینه‌ها و دلایل مهاجرت پزشکان یهودی آلمانی چه بوده و فرآیند استخدام آنها توسط دولت ایران چگونه بوده است؟

۱) فرصت‌ها و چالش‌های مهاجرت پزشکان آلمانی یهودی به ایران در دوره رضاشاه

یکی از کشورهایی که توجه پزشکان یهودی مهاجر را به خود جلب کرد، ایران بود. پزشکان یهودی متخصص آلمانی درخواست‌های متعددی به دولت ایران ارائه دادند و شرایطی مناسب برای مهاجرت پیشنهاد کردند. این شرایط شامل دریافت دستمزد اندک و وعده آوردن تمامی ابزارها و تجهیزات پزشکی مورد نیاز به ایران بود، تجهیزاتی که در آن زمان کشور به شدت به آن‌ها نیاز داشت. با این حال، به نظر می‌رسد دولت ایران در سال‌های ۱۳۱۴-۱۳۱۲ ش (۱۹۳۶-۱۹۳۴ م) فاقد سیاستی یکپارچه در قبال این مسئله بود و نتوانست تصمیمات مناسب و کارآمدی اتخاذ کند. بر اساس اسناد موجود، نخستین واکنش سیاست‌گذارانه دولت ایران نسبت به مسئله مهاجرت متخصصان آلمانی در دوره رضاشاه، نامه‌ای از سفارت ایران در آلمان به وزارت امور خارجه بود. این نامه بر کمبود پزشکان ماهر در ایران و نیاز به جذب پزشکان خارجی تأکید داشت و خواستار بازنگری در قانون تازه تصویب‌شده مجلس شورای ملی شد که ورود پزشکان بیگانه به ایران را محدود می‌کرد. این قانون که در زمان ریاست حسین دادگر در تاریخ ۸ شهریور ۱۳۱۲ ش به تصویب رسید، بر اساس بند دوم خود، ورود پزشکان خارجی را مشروط به تعیین محل طبابت آن‌ها توسط «صحیه کل مملکتی» کرده بود. حسنعلی غفاری، وزیر مختار وقت ایران در بلژیک و نویسنده این نامه، معتقد بود که این بند عملاً مانع ورود پزشکان خارجی می‌شود؛ چراکه بسیاری از پزشکان بیگانه حاضر نبودند با کار در مناطق دورافتاده ایران آینده شغلی خود را به خطر بیندازند. پزشکان خارجی بر این باور بودند که منافع شخصی و نفوذ پزشکان بومی ممکن است آن‌ها را به مناطق دورافتاده و کم‌فرصت سوق دهد (ساکما، ۳۱۰/۱۳۰۸۷، ۸۲۴). تصویب قوانینی برای محدودیت طبابت پزشکان خارجی در ایران بی‌دلیل نبود. پزشکان بریتانیایی سال‌ها بخش اعظمی از سیستم بهداشتی و درمانی ایران را در کنترل خود داشتند و از آن برای تأمین منافع دولت متبوعشان استفاده می‌کردند. به عنوان نمونه، دولت ایران تلاش داشت کنترل پست‌های قرنطینه در بنادر جنوبی کشور، که برای مدت‌ها تحت مدیریت بریتانیایی‌ها بود، به دست بگیرد؛ تلاشی که نهایتاً در سال ۱۳۰۷ ش به ثمر رسید (الگود، ۱۳۵۲: ۸۲۵). افزون بر این، رضاشاه با توجه به دیدگاه‌های ملی‌گرایانه خود به بیگانگان بدبین بود و فعالیت‌های آن‌ها در ایران را، جز در موارد خاص، محدود کرده و تحت نظارت قرار می‌داد.

۱-۱) سیاست‌ها و تضادها در فرآیند جذب پزشکان یهودی آلمانی در دوره رضاشاه

با تشدید مسئله مهاجران آلمانی یهودی، دولت ایران تلاش کرد فهرستی جامع و دقیق از متقاضیان مهاجرت و تخصص‌های آنان تهیه کند (ساکما، ۳۱۰/۱۳۰۸۷، ۷۵۵۸). در این راستا، سفارت ایران در برن سوئیس جست‌وجوی گسترده‌ای در میان متقاضیان مهاجرت و گروه‌هایی که به یهودیان فراری از آلمان کمک می‌کردند، انجام داد. هدف این بررسی، گردآوری اطلاعات کاملی از پیشینه زندگی، فعالیت‌ها و تخصص‌های آنان در آلمان بود. به نظر می‌رسد مهم‌ترین انگیزه دولت ایران برای پذیرش این مهاجران، مسئله دستمزد آن‌ها بوده است. نادر آراسته، وزیر مختار وقت ایران در لهستان، با خوش‌بینی اشاره می‌کند: «بررسی‌ها نشان داده است که در کشورهای مختلف اروپایی، دستمزد دانشمندان یهودی مهاجر تفاوت محسوسی با حقوق متخصصین داخلی ندارد. از این رو، میزان دستمزد آن‌ها وابسته به شرایط کشور میزبان تعیین می‌شود، زیرا بسیاری از آن‌ها مایل به زندگی و کار در کشورهای شرقی هستند و مهاجرت به این کشورها را به راحتی می‌پذیرند» (ساکما، ۳۱۰/۱۳۰۸۷، ۷۵۰/۹۰۷).

با افزایش بحث‌های سیاسی میان وزارتخانه‌های مختلف، مسئله جذب و استخدام پزشکان آلمانی یهودی به‌طور جدی در دستور کار بخش‌های مختلف دولت قرار گرفت. گزارش و توصیه‌های حسنعلی غفاری، وزیر مختار ایران در بلژیک، مبنی بر بهره‌گیری از مهارت و تجربه پزشکان یهودی در فرآیندهای نوسازی حکومت رضاشاه، بررسی‌های گسترده‌ای را در میان نهادهای دولتی برانگیخت. در پاسخ به نامه سفارت ایران در بروکسل، «صحیه‌ی کل مملکتی» اعلام کرد که هیچ مانعی برای استخدام این پزشکان وجود ندارد؛ با این حال، تأکید کرد تا زمانی که تهران به پزشک نیاز داشته باشد، امکان اعزام پزشکان به استان‌ها فراهم نخواهد شد (ساکما، ۳۱۰/۱۳۰۸۷، ۱۸۶۹۱). حدود یک هفته بعد، «صحیه‌ی کل مملکتی» در نامه‌ای دیگر به وزارت امور خارجه، جذب پزشکان آلمانی را مشروط به مقررات داخلی ایران دانست (ساکما، ۳۱۰/۱۳۰۸۷، ۳۲۱۳۴). همزمان، وزیر امور خارجه، باقر کاظمی، در استعلامی از نخست‌وزیر محمدعلی فروغی خواستار نظر وی درباره این موضوع شد. فروغی پیشنهاد کرد رویکردی متعادل میان تشویق و محدودیت در جذب متخصصان آلمانی اتخاذ شود (ساکما، ۳۱۰/۱۳۰۸۷، ۳۲۱۳۴) و در سند دیگری نیز استخدام آنان را مقرون‌به‌صرفه ارزیابی کرد (ساکما، ۳۱۰/۱۳۰۸۷، ۶۶۴۱). با این حال، وزیر داخله، محمود جم، که لیستی از پزشکان، داروسازان و دندان‌پزشکان مهاجر را برای بررسی ارسال کرده بود، با مخالفت نسبی مواجه شد؛ زیرا در پاسخ، نخست‌وزیر تأکید کرد که ابتدا باید نظر «صحیه‌ی کل مملکتی» جویا شود و در پایان نیز اظهار داشت که در ایران داروساز یهودی به حد کفایت وجود دارد و نیازی به استخدام افراد جدید از خارج نیست (ساکما، ۳۱۰/۱۳۰۸۷، ۳۸۳۳۹/۳۰۳۱۶؛ ساکما، ۳۱۰/۱۳۰۸۷، ۷۴۰۹). این ادعای وجود پزشکان و داروسازان یهودی در ایران بی‌اساس نبود. یهودیان ایران به‌ویژه در حوزه پزشکی افراد توانمندی به‌شمار می‌رفتند. دکتر جان ویشارد، پزشک آمریکایی، در سفرنامه خود اشاره می‌کند که یهودیان ایران در امور دارو و درمان از هوش بالایی برخوردارند و یکی از آنان برای یازده سال دستیار جراحی او در بیمارستان بوده است (ویشارد، ۱۳۶۳: ۱۸۰). اوژن اوبن، سیاح و دیپلمات فرانسوی نیز در کتاب خود تأکید می‌کند که پیشه طبابت به‌طور انحصاری در قلمروی تخصصی یهودیان ایران بوده است (اوبن، ۱۳۶۳: ۳۰۹). با این حال، باید اذعان کرد که سطح علمی پزشکان و داروسازان یهودی ایرانی، قابل قیاس با هم‌تایان آلمانی آنان که در بهترین مؤسسات علمی اروپا آموزش دیده بودند، نبود.

به نظر می‌رسد دولت ایران در سال‌های ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۴ ش، در مواجهه با مسئله مهاجرت پزشکان و متخصصان آلمانی یهودی، سیاستی یکپارچه و منسجم نداشته است. این عدم انسجام در تصمیم‌گیری، ناشی از تضادهای موجود در رویکردهای مختلف به این موضوع بوده است. با این حال، بررسی اسناد نشان می‌دهد که یکی از رویکردهای غالب در این دوره، تلاش برای تطبیق روند جذب نیروی متخصص خارجی با شرایط و نیازهای داخلی کشور بوده است. وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه به عنوان یکی از ارگان‌های دخیل در این موضوع، در نامه‌ای به نخست‌وزیر، ضمن تأکید بر اهمیت جذب دانشمندان آلمانی، بر لزوم تسلط این افراد به زبان‌های فارسی یا فرانسوی به عنوان زبان‌های آموزشی رایج در ایران تأکید کرده است (ساکما، ۳۱۰/۱۳۰۸۷، ۱۲۲۸۰/۲۵۶۴۱). این شرط، به‌طور ضمنی، محدودیت‌هایی را برای مهاجرت پزشکان و متخصصان آلمانی یهودی ایجاد می‌کرد؛ چرا که بسیاری از این افراد ممکن است به زبان‌های فارسی یا فرانسوی مسلط نبوده‌اند.

۲-۱) موانع قانونی و سرنوشت ناکام مهاجران

یکی از موانع اصلی مهاجرت پزشکان آلمانی یهودی به ایران، پیش شرطی بود که مجلس و وزارت بهداشت تعیین کرده بودند؛ بر اساس این شرط، محل خدمت پزشکان مهاجر باید با موافقت وزارتخانه مشخص می شد. به نظر وزیر مختار وقت ایران در پاریس، این شرط غیرضروری و غیرسازنده بود، زیرا فرصت حل مشکلات بهداشتی و درمانی ایران را از بین می برد و گزینه های موجود را محدود می کرد. اگرچه برخی پزشکان آلمانی یهودی در سال های ۱۹۳۳ و ۱۹۳۴ میلادی موفق به مهاجرت به ایران شدند، به نظر می رسد که بسیاری از آن ها در حرفه خود به موفقیت دست نیافتند. یکی از این پزشکان، دکتر هربرت شوالبه، دندانپزشکی از برلین بود. او که باور نداشت قدرت گرفتن هیتلر مسئله ای موقتی یا انحرافی زودگذر در دموکراسی آلمان باشد، در اکتبر ۱۹۳۳ میلادی به ایران مهاجرت کرد. به او وعده داده شده بود که مجوز افتتاح مطب دندانپزشکی دریافت خواهد کرد. با این حال، کار او در ایران موفقیت آمیز نبود و در سال ۱۹۳۴ به ایالات متحده آمریکا مهاجرت کرد (بچه های شوالبه به پدرشان کارت تبریک می فرستند، گیلوویچ، خانم کارن، موزه یادبود هولوکاست ایالات متحده، واشنگتن دی سی، آر. جی - ۱۶۴ - ۹۱۰).

۲) نقش پزشکان و پرستاران آلمانی یهودی در توسعه نظام سلامت ایران در دوره رضاشاه

مبنای سیاست گذاری های داخلی ایران در قبال مهاجرت متخصصان آلمانی بر اساس الزامات توسعه محورانه کشوری شکل گرفته بود که با پایه گذاری یک دولت مدرن (دست کم به لحاظ ساختاری) نیاز فراوانی به متخصصان و کارشناسان در زمینه های اجرایی، فرهنگی، علمی و دانشگاهی داشت. در همین راستا، «نادر آراسته» در نامه خود فهرستی از متخصصان فنی و دانشگاهی ارائه کرد که قابلیت استخدام توسط دولت ایران را داشتند. این سند از منظر تبیین دیدگاه توسعه محور وقت دولت ایران اهمیت محوری دارد و دو حوزه مهندسی^۱ و پزشکی بیشترین توجه را در آن جلب کرده است. هرچند کارشناسان آلمانی در حوزه های متعددی مورد توجه بودند، تمرکز سیاست گذاران بر حوزه درمانی و پزشکی به مراتب برجسته تر بود (موسوی نیا، ۱۳۸۷: ۲۵). به نظر می رسد مقامات ایران به این نتیجه رسیده بودند که جذب و استخدام پزشکان آلمانی یهودی، نسبت به متخصصان در سایر زمینه ها، بهره وری بیشتری به همراه خواهد داشت و به همین دلیل بیشترین تلاش ها در این راستا متمرکز شد (ساکما، ۱۳۰۸/۳۱۰، ۵۳۵۱). با اینکه بخش پزشکی اهمیت زیادی در سیاست های مهاجرتی داشت، جزئیات زیادی درباره فرآیندها ارائه نشده است؛ بیشتر اسناد بر فهرست نام پزشکان و محل خدمت آن ها تمرکز دارند. به عنوان مثال، در یکی از اسناد، فهرستی شامل بیش از ۵۰ کاندیدا در رشته های مختلف پزشکی به وزارتخانه های مرتبط ارسال شده بود. این فهرست شامل متخصص گوش و حلق و بینی (۳ نفر)، میکروبی شناسی (۳ نفر)، سرطان شناسی (۲ نفر)، زنان و زایمان (۳ نفر)، اطفال (۳ نفر)، بهداشت عمومی (۲ نفر)، پوست (۲ نفر)، چشم پزشکی (۳ نفر)، بیماری های داخلی (۵ نفر)، پاتولوژی (۵ نفر)، داروسازی (۴ نفر)، جراحی (۴ نفر)، فیزیولوژی (۷ نفر)، نورولوژی (۸ نفر)،

^۱ - چنان که نه نفر مهاجر برای کار در صنایع مختلف مهندسی پیشنهاد شده بودند: «معماری، صنایع مرتبط با نفت و زغال سنگ، برق، راه آهن، ساخت و ساز در بناها، مکانیک». در واقعیت نیز یکی از اصلی ترین جنبه های نوسازی و توسعه رضاشاهی در حوزه صنایع مهندسی خود را نشان می دهد.

نفر) و سایر تخصص‌ها بود. این اسناد صرفاً جهت تصمیم‌گیری در موارد لزوم به وزارتخانه‌ها ارسال شده بود (ساکما، ۱۳۰۸۷/۳۱۰، ۹۰۷/۷۵۰).

۲-۱) نقش پزشکان و پرستاران آلمانی یهودی در برنامه‌های نوسازی پزشکی ایران

دیدگاه سیاست‌گذارانه دولت ایران در دوره رضاشاه، مهاجران آلمانی یهودی را فرصتی برای بهبود وضعیت داخلی کشور، به‌ویژه در حوزه پزشکی، ارزیابی می‌کرد. در این چارچوب، کمبود پزشکان در ایران—وجود تنها یک پزشک به ازای هر پانزده هزار نفر جمعیت و مشکلات گسترده «صحیه‌ی کل مملکتی» در تأمین پزشکان برای استان‌ها—دولتمردان را به تأمل واداشت. برای رفع این مشکل، پیشنهاد شد با ایجاد محدودیت‌های معیشتی برای پزشکان در پایتخت، برخی از آن‌ها ناچار به خدمت در مناطق محروم و روستایی شوند تا شهرهای کوچک نیز به خدمات پزشکی دسترسی پیدا کنند. سیاست‌گذاران ایرانی همچنین مهاجران پزشک آلمانی را به‌عنوان منبعی ارزشمند برای توسعه نظام پزشکی کشور قلمداد کردند. به گفته غفاری، برخلاف ایران، بسیاری از کشورهای جهان با استفاده از سیاست یهودستیزانه آلمان نازی، این پزشکان را جذب کرده بودند. او تأکید داشت که پزشکان آلمانی یهودی، که از وطن خود رانده شده بودند، با قصد اقامت بلندمدت به ایران می‌آمدند و معمولاً تمایلی به ترک کشور نداشتند. این دیدگاه، پاسخی به نگرانی‌هایی بود که ورود پزشکان خارجی را معادل خروج ارز و سرمایه از ایران می‌دانستند. در نتیجه، سیاست دولت ایران در این دوره نشان‌دهنده تلاش اولیه برای بهره‌برداری از ظرفیت متخصصان آلمانی به‌عنوان بخشی از برنامه‌های نوسازی کشور بود (ساکما، ۱۳۰۸۷/۳۱۰، ۸۲۴). یک ماه پس از این رویداد، موضوع رسیدگی به درخواست‌های مهاجرت پزشکان و متخصصان آلمانی یهودی به ایران، در دولت به صورت جدی مطرح شد. وزارت داخله در نامه‌ای به نخست‌وزیر وقت، محمدعلی فروغی، این موضوع را پیگیری کرد. تا آبان ماه ۱۳۱۲، تعداد درخواست‌های مهاجرت به اندازه‌ای افزایش یافته بود که عدم تصمیم‌گیری قاطع دولت، نارضایتی متقاضیان و مسئولان دولتی را به همراه داشت (ساکما، ۱۳۰۸۷/۳۱۰، ۵۸۸۲). به همین دلیل، دولت تصمیم گرفت تا با تعیین شرایط دقیق، به این درخواست‌ها پاسخ دهد. بر اساس این تصمیم، دولت قصد داشت مناطقی را برای اسکان مهاجران مشخص کند و تنها به افرادی که دارای سرمایه یا تخصص فنی باشند، اجازه اقامت دهد. با این حال، موافقت وزارت مالیه برای واگذاری زمین به مهاجران، شرط اصلی این تصمیم بود (ساکما، ۱۳۰۸۷/۳۱۰، ۵۸۸۲).

مجلس شورای ملی ایران در سال ۱۳۱۵ ش قانون اجازه‌ی جذب و استخدام دکتر کوخ، پزشک آلمانی، برای تدریس در دانشگاه نوین تهران را صادر کرد که وضعیت یهودی بودن وی در هاله از ابهام است (ساکما، ۱۳۱۰/۴۶۲۰۷، ۱۱۳۳۴). سندی دیگر به استخدام دکتر ماکس مایر، پزشک و مدرس آلمانی یهودی، در دانشگاه تهران مربوط می‌شود. بنابراین سند، هیات وزیران در سال ۱۳۱۹ ش استخدام او را به عنوان مدرس گوش و حلق و بینی تصویب کردند (ساکما، ۱۳۱۰/۴۶۷۰۶). دکتر ماکس مایر به عنوان یکی از پیشگامان آموزش رشته گوش و حلق و بینی در تاریخ پزشکی ایران شناخته می‌شود. همچنین، در سال ۱۳۱۴ ش، «صحیه‌ی کل مملکتی» تمایل داشت تا پروفیسور ملخیو، پزشک آلمانی یهودی، را به عنوان مستشار استخدام کند. وی شرایط خود را در نامه‌ای به این نهاد ارسال کرد (ساکما، ۱۳۱۰/۱۰۱۵۵). در سال ۱۳۱۸ ش، سند دیگری به استخدام دکتر آلفرد کن، پزشک آلمانی، در اداره بهداشت وزارت کشور و میزان حقوق و مزایای او اشاره دارد (ساکما، ۱۳۱۰/۴۶۴۱۴).

پزشکان آلمانی یهودی در زمینه جراحی نیز در ایران فعال بودند. برای مثال، دکتر آلفرد کوهن، جراح آلمانی یهودی، ابتدا در سال ۱۳۱۵ ش در بیمارستان شهرداری اصفهان (ساکما، ۳۱۰/۴۶۷۳۴) و سپس در بیمارستان شاه رامسر مشغول به کار شد (ساکما، ۳۱۰/۴۶۲۰۹؛ ساکما، ۲۵۱/۳۱۵۶). او در سال ۱۳۲۱ ش به بیمارستان آمریکایی همدان رفت و به عنوان جراح ارشد ادامه فعالیت داد. دلیل ترک بیمارستان شاه در رامسر، جلوگیری از اقامت او در مازندران پس از اشغال ایران توسط نیروهای روسی بود (فلور، ۱۴۰۰، الف: ۲۴۰). دکتر هاینز والتر فوکس، شهروند آلمانی یهودی، در سال ۱۳۱۳ ش برای کار طبابت در ایران درخواست داد (ساکما، ۲۹۷/۳۵۱۹۱). به نظر می‌رسد این تقاضا پذیرفته شده، زیرا او همان سال درخواست واردات فیلم‌های آموزشی درباره بیماری‌های سفلیس و مالاریا و تأمین هزینه سفر به نقاط مختلف ایران برای سخنرانی‌های آموزشی را کرد (ساکما، ۲۹۱/۹۰۲). دکتر فوکس در سال ۱۳۱۵ ش پیشنهاد تأسیس آسایشگاه معلولین در اصفهان را داد که در نتیجه معاون رییس کل صحنیه مملکتی به این منطقه رفت (ساکما، ۲۹۳/۷۰۴۷). وی در سال ۱۳۱۹ ش به استخدام بیمارستانی در کرمانشاه درآمد (ساکما، ۳۱۰/۴۶۴۵۵). نکته جالب این است که پس از پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۲۴ ش، او خواهان بازگشت به منصب مدیریت بیمارستان گلستان اصفهان شد که پیش‌تر در اختیار او بود (ساکما، ۳۱۰/۶۹۳۴۹).

علاوه بر پزشکان، دولت ایران در خردادماه ۱۳۲۰ ش برای تأمین پرستار برای بیمارستان پانصد تخت‌خوابی تهران با دولت آلمان مذاکراتی انجام داد؛ دولت خواهان استخدام دو بانوی آلمانی به عنوان سرپرستار و معاون سرپرستار و همچنین ۲۸ پرستار آلمانی دیگر برای این بیمارستان بود (ساکما، ۲۷۰/۵۲۱، ۳۳۷۷). شایان ذکر است که مهندسان آلمانی ساخت این بیمارستان را نیز انجام داده بودند (ساکما، ۳۱۰/۴۲۴۰۶). همچنین، نمونه‌ای از مکاتبات اداره کل بودجه وزارت دارایی با اداره بازنشستگی کشوری در خصوص استخدام «هدریک مارکوارت»، تبعه آلمانی به عنوان مدیر آموزشگاه پرستاری مشهد وجود دارد (ساکما، ۲۵۱/۹۵۲۶). یکی از نمونه‌های حضور پرستاران آلمانی در ایران در دوره رضاشاه، بیمارستان رضا نور بود که در سال ۱۳۱۴ ش در تهران گشایش یافت. این بیمارستان شامل بخش‌های رادیولوژی، الکتروترپی و هیدروترپی و دارای بخش‌های عمومی، اتاق‌های خصوصی و سالن‌های دو تخت‌خوابی با تمامی امکانات لازم بود. تجهیزات بیمارستان توسط شرکت آلمانی سانیتاز ساخته شده بود که در آن زمان به تازگی در فرانسه مورد استفاده قرار می‌گرفت (فلور، ۱۴۰۰، الف: ۱۵۵-۱۵۶). علاوه بر کار در بیمارستان‌ها، فعالیت پزشکان آلمانی به تأسیس و ساخت بیمارستان‌ها در ایران نیز مربوط می‌شد. برای مثال، در سال ۱۳۰۸ ش، دو پزشک آلمانی بیمارستانی کوچک در ارومیه تأسیس کردند (فلور، ۱۴۰۰، الف: ۵۵۷). همچنین، دکتر شالک، پزشک آلمانی عضو میسیونری آمریکا در آذربایجان، برای خرید زمین به منظور ساخت بیمارستانی در مهاباد درخواست داد (ساکما، ۳۱۰/۷۴۶۸۲).

۲-۲) نقش پزشکان آلمانی یهودی در واردات تجهیزات پزشکی به ایران

اسناد موجود بر اهمیت واردات ماشین‌آلات پزشکی در کشوری که به‌تازگی وارد مرحله توسعه صنعتی شده، تأکید دارند. به‌عنوان نمونه، در بحث‌های درون‌وزارتخانه‌ای پیرامون استخدام یک پزشک یهودی، مسئله واردات تجهیزات پزشکی برای ولایات مختلف که نیاز مبرمی به این دستگاه‌ها داشتند، مطرح شد. پیشنهاد شد که در صورت موافقت هیئت دولت، می‌توان این تجهیزات را بدون نیاز به خروج ارز از کشور وارد کرد (ساکما، سند شماره ۳۱۰/۱۳۰۶۷، ۸۳۶۲). رئیس صحنیه کل مملکتی نیز در نامه‌ای به وزارت داخله بر این موضوع تأکید کرد و نوشت: «از آنجایی که کشور به متخصصان خبره و

ماشین آلات پزشکی نیاز دارد و مهاجران آمادگی دارند تا تجهیزات فنی خود را نیز به همراه بیاورند، می‌توان این دستگاه‌ها را بدون صرف هزینه ارزی وارد کشور نمود» (ساکما، ۳۱۰/۱۳۰۶۷، ۱۷۷۵۵). برخی از پزشکان آلمانی به این تعهد عمل کردند. برای نمونه، طبق سندی متعلق به سال ۱۳۱۲ شمسی، دکتر نومان، متخصص بیماری‌های داخلی (گوارش)، تعدادی دستگاه و ابزار آلات پزشکی، از جمله یک دستگاه اشعه ایکس، را از طریق گمرک خرمشهر به ایران وارد کرد (ساکما، ۲۴۰/۹۲۲۹۳، ۳۸۲۰۵۰). او همچنین از دولت ایران درخواست معافیت عوارض گمرکی برای این تجهیزات را ارائه نمود (ساکما، ۳۱۰/۲۷۳).

۳-۲) پزشکان آلمانی یهودی در بیمارستان شاه‌رضای مشهد

از پاییز ۱۳۱۲ خورشیدی/ دسامبر ۱۹۳۳ میلادی، رضاشاه به دنبال استخدام مدیری برای بیمارستان شاه‌رضا در مشهد بود. این موضوع بیش از یک سال به یکی از دغدغه‌های اصلی دولت ایران تبدیل شد. در این مدت، بسیاری از پزشکان آلمانی یهودی برای این سمت در نظر گرفته شدند. سرانجام، در سپتامبر ۱۹۳۴، زیگفرید هامر/شلاگ، متخصص زنان، موفق به دریافت ویزا شد و اندکی بعد به مشهد وارد شد (ساکما، ۳۱۰/۱۰۱۲۸، ۶۱). هامر/شلاگ احتمالاً مشهورترین پزشک یهودی آلمانی در ایران بود. خود رضاشاه از سال ۱۹۳۳ به‌طور ویژه بر استخدام یکی از پزشکان یهودی آلمانی برای این سمت تأکید داشت (آذری‌شهرضایی، ۱۳۷۴: ۸۷).

پس از انتصاب مدیر بیمارستان شاه‌رضا، سه پروفسور آلمانی، چند پزشک آلمانی یهودی که در پی رهایی از یهودی‌ستیزی آلمان نازی بودند، به همراه چند پرستار و یک رادیولوژیست آلمانی نیز در این بیمارستان مشغول به کار شدند (فلور، ۱۴۰۰، الف: ۳۵۶-۳۵۷). رادیولوژیست آلمانی به نام کاترشتین وظیفه مدیریت بخش تصویربرداری را بر عهده داشت و با پنج دستگاه رادیولوژی، دیاترمی، و نورهای فرابنفش کار می‌کرد. او همچنین از همکاری یک تکنیسین آلمانی برای کار با دستگاه اشعه ایکس بهره می‌برد- (Presbyterian Historical Society in Philadelphia, RG 91-20, Mashhad Medical Report 1935-1936).

۳) نگرانی‌های سیاسی و تأثیر تبلیغات نازیسم بر پذیرش یهودیان مهاجر آلمانی در ایران

بررسی‌های دقیق‌تر اسناد نشان می‌دهد که در دیدگاه سیاسی ایرانیان، نگرانی‌هایی درباره افزایش نفوذ یهودیان مهاجر در ایران وجود داشت. به عنوان مثال، سفارت ایران در برلین در نامه‌ای به وزارت امور خارجه پیشنهاد می‌کند که مطالعات و بررسی‌های کافی درباره سفر یهودیان به ایران انجام شود، زیرا این مسئله ممکن است در آینده بر زندگی اجتماعی ایران، به ویژه در تهران، تأثیر بگذارد. بر اساس این گزارش، یهودیان معمولاً در هر مکانی که گرد هم می‌آیند، به تدریج سعی می‌کنند کنترل تجارت و بازرگانی را به دست گیرند و نفوذ خود را گسترش دهند. سفارت همچنین به صراحت اشاره می‌کند که یهودیان ایرانی تاکنون تأثیر قابل توجهی در زندگی اجتماعی کشور نداشته‌اند، اما یهودیان خارجی ممکن است به اقدامات مختلفی دست بزنند، خود را در امور گوناگون دخالت دهند، و به تدریج در مسائل مهم حکومتی نفوذ پیدا کنند (ساکما، ۳۱۰/۱۳۰۰۶، ۸۸۷). با توجه به چنین بدگمانی شدیدی، بعید نیست که تبلیغات یهودستیزانه نازی‌ها بر دیدگاه

کارکنان سفارت ایران در برلین تأثیر گذاشته باشد؛ نگرانی دیگر، ترس از خشمگین کردن دولت آلمان بود. چند ماه پیش از حمله نیروهای متفقین به خاک ایران در شهریور ۱۳۲۰/ سپتامبر ۱۹۴۱، اروین اِتل^۱، آخرین سفیر آلمان نازی در تهران، به درخواست دولت آلمان تلاش کرد مقامات ایرانی را متقاعد کند تا کارشناسان آلمانی یهودی و دیگر یهودیان مهاجر را که به ایران پناه آورده بودند، به سرعت از کشور اخراج کنند. اما دولت ایران در برابر این خواسته مقاومت کرد و از انجام آن خودداری نمود. در نهایت، در تاریخ ۱۲ خرداد ۱۳۲۰/ ۲ ژوئن ۱۹۴۱، سفیر آلمان در گزارشی به برلین اعلام کرد که مقامات ایرانی درخواست اخراج یا استرداد آلمانی‌های یهودی را نپذیرفته‌اند و دلیل آن را نیاز کشور به تخصص و توانایی‌های این کارشناسان یهودی در برنامه‌های نوسازی ایران عنوان کردند (مه‌راد، ۱۳۸۰: ۸۴). با این حال، سران ایران همچنان نگران بودند که پذیرش شمار زیادی از یهودیان مهاجر آلمانی روابط میان ایران و آلمان را تیره کند. همچنین، برخی پژوهشگران بر این باورند که ایران ممکن است برای مهاجران آلمانی یهودی پلی برای مهاجرت به کشورهای دیگر بوده باشد و در حقیقت، قصد آنها اقامت دائمی در ایران نبوده است (علی‌اصفهانی و الهیاری‌بیک، ۱۳۹۳: ۲۶۹).

داده‌ها و اطلاعات جدول زیر و اسناد دولتی موجود، گواه برآن است که شمار زیادی از آلمانی‌های یهودی، از جمله پزشکان یهودی، پس از پایان جنگ جهانی دوم به آمریکا، فلسطین و مقاصد دیگر مهاجرت کرده‌اند. در حالی که تعداد افرادی که مانند دکتر هامراشلاگ تا پایان عمر در ایران باقی ماندند، اندک بوده است.

نام	تاریخ ورود	پیشه	جزئیات
آلفرد کوهن ^۲	۱۹۳۶ م	پزشک، جراح	- او در سال ۱۹۳۶ م نخست در بیمارستان شهرداری اصفهان و سپس در همان سال در بیمارستان شاه رامسر مشغول به کار شد. - او در سال ۱۹۴۲ م به بیمارستان آمریکایی همدان رفت.
ارنست بلومنفلد ^۳	۱۹۳۴ م	پزشک، متخصص داخلی	- او در سال ۱۹۲۸ م پس از سال‌ها تدریس در آلمان به درجه پروفسوری رسید. - در سال ۱۹۳۳ م، او را به دلیل یهودی بودن از کار اخراج می‌گردد. - در سال ۱۹۳۴ م به ایران مهاجرت و با دکتر جولیان آرندت، دکتر نوسن و دکتر

¹ Erwin Ettel

² Alfred Cohn

³ Ernst Blumenfeldt

زیگفرید هامراشلاگ، برای ساخت مرکز آموزش زنان و زایمان در بیمارستان شاه رضای مشهد همکاری نمود. ^۱			
• او در سال ۱۹۴۱ م به آمریکا مهاجرت نمود.^۲	پزشک، متخصص اطفال		اروین پیز ^۲
• اندکی پس از به قدرت رسیدن هیتلر، به اولریش سالفلد پیشنهاد شد در تهران یک دانشکده‌ی پزشکی و پوست را اداره کند و همچنین در بیمارستانی هزار تخت‌خوابی مشغول به کار شود. • او و همسرش در اواخر دهه‌ی ۶۰ میلادی پس از بازنشستگی وی، ایران را به مقصد لندن ترک نمودند.^۵	پزشک، متخصص پوست		اولریش سالفلد ^۴
	پزشک		برتا استرن ^۶
• او در سال ۱۹۳۴ م در بیمارستان شاه رضای مشهد مشغول به کار شد.	پزشک	۱۹۳۴ م	جولیان آرندت ^۷
• از اول نوامبر ۱۹۳۳ م، هامراشلاگ به دلیل اصالت یهودی خود مجبور به بازنشستگی اجباری در آلمان شد. • احتمالاً در اواخر سال ۱۹۳۴ م وارد ایران شد. او در بیمارستان شاه رضای مشهد مشغول به کار شد و در آنجا نیز با همکاری دکتر جولیان آرندت، دکتر نوسن و دکتر ارنست بلومنفلد، مرکزی برای آموزش زنان و زایمان بنا کرد.	پزشک، متخصص زنان و زایمان	۱۹۳۴ م	زیگفرید هامراشلاگ ^۸

^۱ ساکما، ۳۱۰/۱۰۱۲۸، ۹۹۴۰/۱۰۱۴.

^۲ Erwin Pese

^۳ <https://jamanetwork.com/journals/jamapediatrics/article-abstract/500934>

^۴ Ulrich Saalfeld

^۵ <https://www.refugeemap.org/map/records/ulrich-and-margrit-saalfeld-1933-1963>

^۶ Bertha Stern

^۷ Julian Arendt

^۸ Siegfried Hammerschlag

• او با یک پرستار آلمانی در ایران زندگی می‌کرد و از او صاحب یک فرزند شد. این زن یهودی نبود و به همین دلیل در آلمان به دلیل "خسارت به نژاد" (راسنشانده) محکوم شد. • هماراشلاگ هرگز به آلمان بازنگشت، در سال ۱۹۴۰ م تابعیت ایران را گرفت و همچنین در سال ۱۹۴۸ م در سن ۷۷ سالگی در ایران درگذشت.			
• او همسر یواخیم فردریش لیمن مهندس آلمانی مشغول به کار در ایران بود. • او در سال ۱۹۳۶ به مدت یکسال در مرکز سلامت کودک در تهران مشغول به کار بود.^۲ • او در سال ۱۹۴۷ م با همسرش ایران را به مقصد آمریکا ترک نمود.^۳	پزشک، متخصص اطفال	۱۹۳۴ م	فانی ماریان همپل ^۱
• او تکنیسین دستگاه اشعه ایکس بود و یک دستگاه اشعه ایکس نیز با خود به ایران آورده بود. • او در سال ۱۹۴۰ م در تهران در سن ۴۹ سالگی درگذشت.^۵	پزشک، متخصص (داخلی) گوارش	۱۹۳۳ م	کورت اریش نومان ^۴
	دانشمند آزمایشگاه پزشکی		گیزلا شیدل ^۶

^۱ Fanny Marianne Hempel

^۲ فلور، ۱۴۰۰، ب: ۲۳۱.

^۳ <https://www.stolpersteine-berlin.de/en/siegmunds-hof/1/joachim-friedrich-leppmann>

^۴ Kurt-Erich Neumann

^۵ <https://www.geni.com/people/Dr-med-Kurt-Neumann/6000000040028899844>

^۶ Gisela Scheidel

• نازی‌ها در سال ۱۹۳۵ م مجوز طبابت او را به دلیل یهودی بودن باطل کردند. • او در سال ۱۹۴۰ م در کلینیکی در آنکارا مشغول به کار شد. • دکتر مایر در سال ۱۹۴۱ م در کرسی گوش و حلق و بینی به استخدام دانشگاه تهران درآمد. • او در سال ۱۹۴۷ م به آلمان بازگشت و در آنجا به درجه‌ی استاد تمامی رسید.^۲	پزشک، متخصص گوش و حلق و بینی	۱۹۴۱ م	ماکس مایر ^۱
• او در سال ۱۹۳۴ م به ایران آمد و در بیمارستان شاه رضای مشهد مشغول به کار شد.	پزشک	۱۹۳۴ م	نوسن ^۳
	پزشک، مدیر بیمارستان	۱۹۳۵ م	هاینز والتر فوکس ^۴
• او در سال ۱۹۳۴ م توسط وزارت داخله برای کار به مشهد فرستاده و در آنجا مطب دندانپزشکی زد. • پیشه‌ی وی همراه با موفقیت نبود. او باور داشت چون مسلمان نبوده کارش همراه با موفقیت نبوده است. • خانواده‌اش از برلین از طریق بسته‌های پستی با او در تماس بودند. • در سال ۱۹۳۵ م او نخست به فلسطین و سپس در سال ۱۹۳۸ م به آمریکا مهاجرت نمود.	دندانپزشک	۱۹۳۳ م	هربرت شوالبه ^۵

^۱ Max Meyer

^۲ Julius-Maximilians-Universität Würzburg: Vorlesungs-Verzeichnis für das Sommer-Halbjahr 1948. Universitätsdruckerei H. Stürtz, Würzburg 1948, S. 11 und 20.

^۳ Nossen

^۴ Heinz-Walter Fuchs

^۵ Herbert Schwable

• موزه‌ی یهودی برلین اسناد هربرت شوالبه را در سال ۲۰۰۸ م به دست آورد. ^۱			
	پزشک، استاد دانشگاه		ویلی هاس ^۲

(Herbert A. Strauss and Werner Röder, 1999).

نتیجه‌گیری

نتایج و داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد که دولت ایران تمایل به استخدام پزشکان یهودی بیکار و فراری از آلمان به منظور ارتقای سطح بهداشت و درمان کشور داشته است. اسناد و مکاتبات مربوط به جذب و استخدام ده‌ها پزشک آلمانی یهودی این را تأیید می‌کند که هرچند دولت ایران توانسته بود از این فرصت برای بهبود بخش بهداشت و درمان بهره‌برداری کند، ترکیبی از دیوان‌سالاری معیوب و عدم درک صحیح از شرایط، مانع از استفاده بهینه از این فرصت شد. عوامل سلبی و ایجابی متعددی در رویکرد دولت ایران نسبت به این موضوع مؤثر بوده است. در میان عوامل سلبی، می‌توان به تصویب قوانین محدودکننده برای طبابت پزشکان بیگانه، نگرانی دولت از خروج سریع این پزشکان که به کاهش ارز و سرمایه از کشور منتهی می‌شد و همچنین دلواپسی در خصوص افزایش نفوذ اجتماعی این پزشکان و پیامدهای ناشی از آن اشاره کرد. خطر واکنش منفی مقامات دولت آلمان نسبت به جذب این پزشکان و سیاست‌های مرتبط با وزارت معارف در زمینه جذب افرادی که به زبان‌های فارسی یا فرانسه تسلط داشته‌اند، از دیگر عوامل سلبی محسوب می‌شود. در مقابل، عوامل ایجابی نیز در این زمینه دخیل بودند. نیاز شدید دولت ایران به پزشکان ماهر برای نوسازی زیرساخت‌های درمانی به دلیل کمبود پزشکان حاذق در داخل کشور از این جمله است. پزشکان یهودی آلمانی پیشنهادهای ماند دستمزدهای کم و تأمین تجهیزات پزشکی پیشرفته ارائه کردند که به جذب آن‌ها کمک کرد. علاوه بر این، ورود پزشکان بیگانه به شهرهای بزرگ زمینه‌ای برای ایجاد انگیزه در پزشکان ایرانی برای کار در شهرستان‌ها و مناطق دورافتاده فراهم آورد. جذب و استخدام تعداد زیادی از پزشکان آلمانی یهودی در ایران نشان‌دهنده تلاش دولت برای بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود است. باوجود این، تمایل دولت به برقراری تعادل میان تشویق و ممانعت از مهاجرت این پزشکان، به واسطه ناهماهنگی‌ها و سیاست‌های نادرست، موجب شده است دولت ایران نتواند به‌طور کامل از این فرصت بهره‌برداری نماید.

¹ https://www.jmberlin.de/1933/en/12_25_letter-from-herbert-schwalbe-to-the-persian-minister-of-the-interior.php

² Willy Haas

- بچه‌های شوالیه به پدرشان کارت تبریک می‌فرستند، گیلوویچ، خانم کارن، موزه یادبود هولوکاست ایالات متحده، واشنگتن دی سی. آر جی - ۹۱.۰۱۶۴.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۱۰/۱۰۱۲۸، نمره سند ۹۹۴۰/۱۰۱۴، ۱۳۱۴/۰۳/۰۴.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۱۰/۱۰۱۲۸، نمره سند ۶۱، ۱۳۱۳/۰۹/۱۱.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۱۰/۱۰۱۵۵، ۱۳۱۴.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۱۰/۱۳۰۰۶، نمره سند ۸۸۷، ۱۳۱۷/۰۳/۳۰.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۱۰/۱۳۰۶۷، نمره سند ۱۷۷۵۵، ۱۳۱۲/۰۶/۱۴.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۱۰/۱۳۰۶۷، نمره سند ۸۳۶۲، ۱۳۱۲/۰۵/۰۳.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۱۰/۱۳۰۸۷، نمره سند ۱۸۶۹۱، ۱۳۱۲/۰۸/۲۲.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۱۰/۱۳۰۸۷، نمره سند ۱۲۲۸۰/۲۵۶۴۱، ۱۳۱۲/۱۰/۰۴.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۱۰/۱۳۰۸۷، نمره سند ۳۲۱۳۴، ۱۳۱۲/۰۸/۳۰.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۱۰/۱۳۰۸۷، نمره سند ۳۰۳۱۶/۳۸۳۳۹، ۱۳۱۲/۱۱/۱۴.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۱۰/۱۳۰۸۷، نمره سند ۵۳۵۱، ۱۳۱۲/۱۲/۰۷.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۱۰/۱۳۰۸۷، نمره سند ۵۸۸۲، ۱۳۱۲/۰۸/۱۴.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۱۰/۱۳۰۸۷، نمره سند ۶۶۴۱، ۱۳۱۲/۱۰/۳۰.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۱۰/۱۳۰۸۷، نمره سند ۷۴۰۹، ۱۳۱۲/۱۱/۱۷.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۱۰/۱۳۰۸۷، نمره سند ۷۵۵۸، ۱۳۱۲/۱۱/۲۲.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۱۰/۱۳۰۸۷، نمره سند ۸۲۴، ۱۳۱۲/۰۷/۲۱.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۱۰/۱۳۰۸۷، نمره سند ۷۵۰/۹۰۷، ۱۳۱۲/۱۱/۲۴.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۱۰/۲۷۳، ۱۳۱۳.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۲۵۱/۳۱۵۶، ۱۳۱۷-۱۳۲۲.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۲۹۷/۳۵۱۹۱، ۱۳۱۳.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۱۰/۴۲۴۰۶، ۱۳۱۵.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۱۰/۴۶۲۰۷، نمره سند ۱۱۳۳۴، ۱۳۱۵/۰۹/۰۹.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۱۰/۴۶۲۰۹، ۱۳۱۵.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۱۰/۴۶۴۱۴، ۱۳۱۸.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۱۰/۴۶۴۵۵، ۱۳۱۹.

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۱۰/۴۶۷۰۶، ۱۳۱۹.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۱۰/۴۶۷۲۴، ۱۳۱۵.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۲۷۰/۵۲۱، نمره سند ۳۳۷۷، ۱۳۲۰/۰۳/۱۸.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۱۰/۶۹۳۴۹، ۱۳۲۴.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۲۹۳/۷۰۴۷، ۱۳۱۵.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۲۹۱/۹۰۲، ۱۳۱۳/۱۲/۰۱.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۲۴۰/۹۲۲۹۳، نمره سند ۳۸۲۰۵۰، ۱۳۱۲/۱۱/۱۴.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۲۵۱/۹۵۲۶، ۱۳۱۹.

کتاب‌ها

- اوین، اوژن (۱۳۶۳). *ایران امروز ۱۹۰۷-۱۹۰۶ (ایران و بین‌النهرین)*، برگردان: علی‌اصغر سعیدی، تهران: انتشارات زوار.
- آذری شهرضایی، رضا (۱۳۷۴). *دولت ایران و متخصصان مهاجر آلمانی (۱۳۱۹-۱۳۱۰ ش)*، تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.
- شایرر، ویلیام (۱۳۶۰). *ظهور و سقوط رایش سوم*، جلد اول، ترجمه: کاوه دهگان، تهران: انتشارات فردوسی. مقدمه
- فلور، ویلم (۱۴۰۰)، الف. *تاریخ بیمارستان‌ها در ایران: از سال ۵۵۰ تا ۱۹۵۰ میلادی*، برگردان: ایرج نبی‌پور، بوشهر: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر.
- فلور، ویلم (۱۴۰۰)، ب. *سرآغازهای پزشکی مدرن در ایران*، ترجمه: دکتر ارج نبی‌پور، بوشهر: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر.
- الگود، سیریل (۱۳۵۲). *تاریخ پزشکی ایران: از دوره باستان تا سال ۱۹۳۴*، ترجمه: محسن جاویدان، تهران: انتشارات اقبال.
- ویشارد، جان (۱۳۶۳). *بیست سال در ایران*، ترجمه: علی پیرنیا، تهران: انتشارات نوین.

مقالات

- علی‌اصفهانی، اعظم، و الهیاری‌بیک، مهدی (۱۳۹۳). «مهاجرت یهودیان ایران به فلسطین با تکیه بر دوره حکومت پهلوی اول»، *فصلنامه ۱۵ خرداد*، بهار، ۳۹، ۲۵۵-۲۸۰.

- موسوی‌نیا، سیدرضا (۱۳۸۷). «دل بستن به نیروی سوم، راهبردی بی‌سرانجام در روابط خارجی ایران»، *فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، ۲۵۰، ۱۸-۳۵. مقدمه
- ممداد، احمد (۱۳۸۰). «سرنوشت ایرانیان یهودی طی جنگ جهانی دوم در اروپا»، *فصلنامه مطالعات منطقه‌ای؛ اسرائیل‌شناسی-آمریکاشناسی*، فروردین، ۶، ۶۹-۹۲.

وبگاه‌ها

- <https://berlingeschichte.de/bms/bmstext/9809porc.htm>
- <https://jamanetwork.com/journals/jamapediatrics/article-abstract/500934>
- <https://www.geni.com/people/Dr-med-Kurt-Neumann/6000000040028899844>
- https://www.jmberlin.de/1933/en/12_25_letter-from-herbert-schwalbe-to-the-persian-minister-of-the-interior.php
- <https://www.refugeemap.org/map/records/ulrich-and-margrit-saalfeld-1933-1963>
- <https://www.stolpersteine-berlin.de/en/siegmunds-hof/1/17oachim-friedrich-leppmann>

منابع لاتین

- Beate Meyer, Hermann Simon, Chana Schutz. (2009). *Jews in Nazi Berlin, From Kristallnacht to Liberation*. University of Chicago Press, USA. مقدمه
- Herbert A. Strauss and Werner Röder. (1999). *International Biographical Dictionary of Central European Émigrés (1933-1945)*. Institut für Zeitgeschichte, München.
- Julius-Maximilians-Universität Würzburg: Vorlesungs-Verzeichnis für das Sommer-Halbjaar 1948. Universitätsdruckerei H. Stürtz, Würzburg 1948, S. 11 und 20.
- Presbyterian Historical Society in Philadelphia, RG 91-20-2, Mashhad Medical Report 1935-1936.
- Von Blücher, Wiport. (1949). *Zeitenwende im Iran: Erlebnisse und Beobachtungen*. Koehler & Voigtländer, Deutschland. مقدمه
- Weindling, P. (1989). *Health, Race and German Politics Between National Unification and Nazism (1870-1945)*. Cambridge University Press, Cambridge. مقدمه

پیوست‌ها



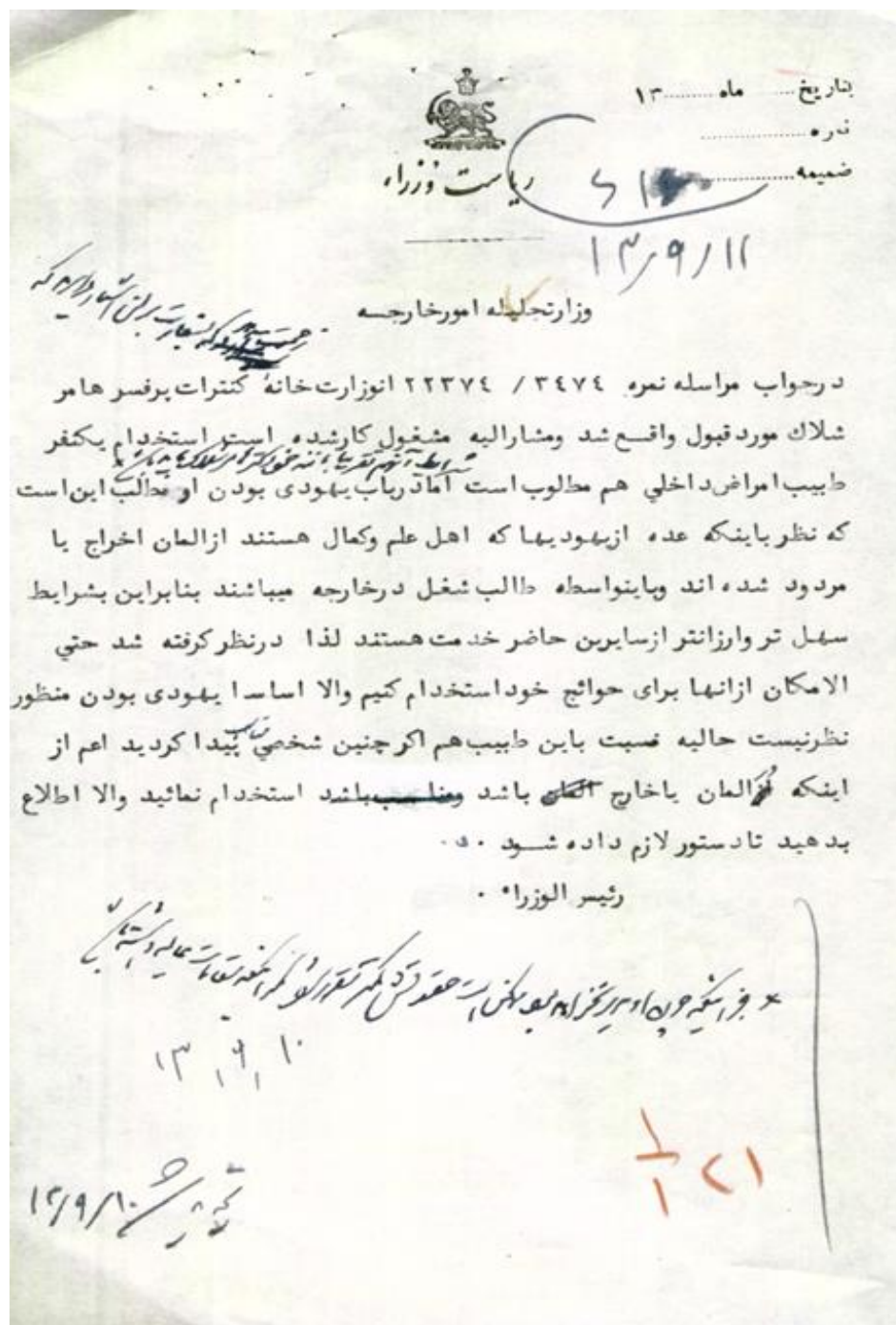
تصویر ۱: تصویری از دکتر زیگفرد هامراشلاگ، یکی از پزشکان مشهور آلمانی یهودی^۱

^۱ <https://berlingeschichte.de/bms/bmstext/9809porc.htm>



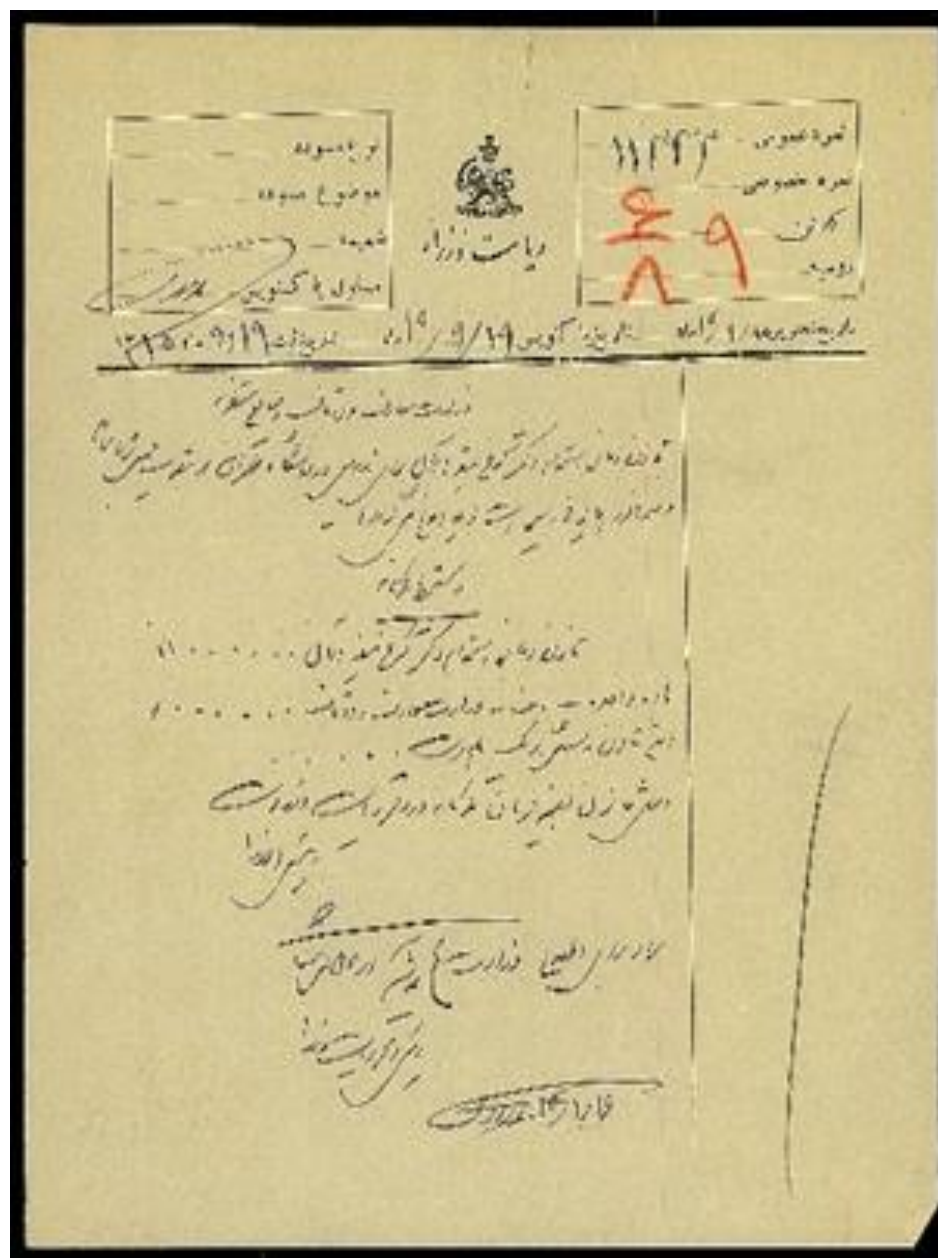
تصویر ۲: پرستاران آلمانی یهودی بیمارستان شاه رضا^۱

^۱ فلور، ۱۴۰۰، الف: ۳۵۹.



تصویر ۳: رونوشت اسناد استخدام دکتر هماراشلاک برای مدیریت بیمارستان آستان قدس رضوی (ع)^۱

^۱ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۱۰/۱۰۱۲۸، نمرة سند ۶۱، ۱۳۱۳/۰۹/۱۱.



تصویر ۴: نامه‌ی ریاست‌وزرا به وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در خصوص استخدام دکتر کوخ تبعه‌ی آلمان جهت تدریس در دانشگاه تهران^۱

^۱ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۱۰/۴۶۲۰۷، نمره سند ۱۱۳۳۴، ۱۳۱۵/۰۹/۰۹.

بتاریخ... بهج. ل. پ. مله... سنه ۱۳۱۲
نمره... ۵۸۸۲... ضمیمه...

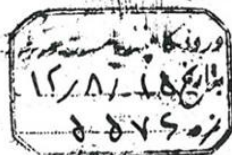


وزارت داخله

اداره...
دایره...

مقام مریض بابت وزارت داخله

مردم به سبب ۵۳۱۶...
بعضی برین...
آنکه کرده...
مردم بود...
در هر دو...
مهاجر قبول...
نظم است...
موضع در...



[اسند شماره ۱۲]

۲۷
۱۰۵
+

۱۲/۱/۱۵

تصویر ۵: رونوشت نامه محمود جم به رییس الوزرا در مورد مشکلات پذیرش مهاجران آلمانی و همچنین پیشنهاد تشکیل کمیسیونی جهت تصمیم گیری در این زمینه^۱

^۱ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۱۰/۱۳۰۸۷، نمره سند ۵۸۸۲، ۱۳۱۲/۰۸/۱۴.



سواد رابرت سفارت شاهنشاهی متیم بروکسل شماره (۸۲۴) - ۱۳۱۲

وزارت جلیله امور خارجه

از سیاست ضد یهود آلمانی خیلی از ممالک استفاده هائی کرده اند جز مائترکیه با آنکه دومدرسه طب نظامی و کشوری قدیمی دارد و خیلی قبل از ما شروع با اعزام محصل بارو با نموده و با جمعیت کمتر دارای اطباء زیادی است و فیزیکی بولی هم بشدت غیر قابل وصفی در آن مملکت حکم فرماست تا بحال پنجاه نفر از معارف اطباء یهود را استخدام نموده همچنین ممالک بالکان هم هر کدام بفرار خود استعداد خود - اشخاصی را از آلمان بشرايط مناسبی برده اند بنده از روز اول رابرت های فصل در این باب دادم و خواستم عده را بدون خرج بایران روانه نمایم متاسفانه پس از مدتی از وزارت جلیله معارف اطلاع داده اند - که با مهاجرت اطباء بایران کمک نشود زیرا قانون جدیدی در دست تهیه است که حق طبابت خارجی را محدود میکند ظاهرا شور اول قانون مزبور تمام شده و دو شرط برای طبابت اطباء خارجی قائل شده اند یکی آنکه اقلا پنج سال در مملکت خود طبابت کرده باشند دوم آنکه محل طبابت آنها در ایران بسته به تشخیص و انتخاب صحبه کل مملکتی خواهد بود شرط اول بسیار بجا و شاید میبود که بجای پنج هفت سال مقرر میداشتند ولی شرط دوم بنظر بنده مشربحال مملکت است و در حقیقت حکم منع ورود اطباء خارجی را دارد زیرا هیچ طبیب خوبی که مطلع باین قانون باشد آنچه خوب را تابع مجهول نمیکند و یقین خواهند داشت که منافع خصوصی و نفوذ اطباء محلی آنانرا بنقلطنا مساعدی برت خواهد کرد مگر آنکه اشخاص و اخرویه و بی استعدادی باشند که جز مسافرت بایران چاره نیبند بنا برین میتوان گفت که بر خلاف نظر مقنن قانون مزبور بیشتر اطباء نا صالح را بمملکت جلب خواهد کرد .

وزارت جلیله داخله بدوا میبایست محرز نمایند که آیا اساسا مملکت محتاجا بطیب هست یا خیر در صورت اول البته باید ورود اطباء را تشوین و در صورت دوم محدود نمود . در اروپا که - تنفیقات و حفظ الصحة عمومی خیلی بسط یافته و اطلاع و سیک زندگانی مردم خود مانع بروز و شیوع امراض است صورت نظر از دندان ساز و قابل و برستار برای هر ششصد نفر یک طبیب لازم میشمارند آلمان با آنکه اطباء زیادی از طایفه یهود را اخراج کرده فعلا دارای ۵۰۰۰۰ طبیب میباشد

تصویر ۶: نامه‌ی «حسنعلی غفاری»، وزیر مختار وقت ایران در بلژیک به وزارت امور خارجه ایران درباره‌ی جذب پزشکان یهودی^۱

^۱ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۱۰/۱۳۰۸۷، نمره سند ۸۲۴، ۱۳۱۲/۰۷/۲۱.



وزارت جلیله امور خارجه

مفاد متحد المال نمره ۳۹۱۸۳ راجع به یهودیهای آلمان بقونسولگریها تبلیغ گردید . یهودیهای موضوع متحد المال مذکور بطور کلی در رشته های طب و حقوق و نویسندگی و معلمی و فنون ظریفه تخصص دارند و کمتر بین آنها مهندس و شیمست و امثال آن پیدا میشود . راجع به اطلباء از برلن راپورتیهای تقدیم ر عرش کرده بودم که هر گاه اجازه طبابت در ایران با آنها داده شود بطیب خاطر عده زیادی از دکترها و پروفیسورها عازم ایران خواهند شد . و شاید هم تا مدتی مجا نا در موسسات بلدی و مریضخانه ها خدمت نمایند . متاسفانه قانون اجازه طبابت جدید بین آمد و آنها نرا از چنین خیالی منصرف نمود .

هفته قبل که طهران بودم جناب آقای شکوه الملک رئیس محترم دفتر مخصوص شاهنشاهی میفرمودند از طرف قرین الشرف ملوکانه ارواحنا فداه مقرر شده است ورود اطلبای یهود را بایران تسهیل نمایند و در این باب اوامری هم بریاست جلیله وزرا اعظام دامت شوکته صادر گردیده است و مخصوصا از بنده خواستند با جناب اشرف آقای رئیس الوزرا در این خصوص مذاکره نموده و نظریات خود را بمشرشان برسانم . از بین یهودیهای مشارالیه کسانی که مفید بحال ما هستند همان اطلباء میباشد و بنظر بنده هیچ مناسب نیست نمایند از آنها برای مذاکره راجع با استخدام بطهران خواسته شود زیرا این ترتیب هم انجام مقصود را متعویق میندازد و هم تعهد اخلاقی را موجب میگردد . راه عملی این است که قانون طبابت اخیرا اصلاح کنند و اطلباء خارجی را با شرط ارائه دیپلم دولتی و ابراز مدرکی که عملیات پنجاه ساله آنها نرا اثبات نماید اجازه طبابت در ایران بدهند و تعیین محل طبابت آنها نرا آزاد گذارند و مثل امروز موکول به تشخیص صحنه کل ملک نکنند . همینکه این اصلاح بعمل آمد و در جراید آلمان منتشر گردید قطعا عده از پروفیسورها و معارف اطلبای یهود بایران خواهند آمد و حتی مدتی هم هر کدام در مریضخانه و موسسات صحنی و مدرسه طب مجا نا خدمت و تدریس خواهند نمود و بدین ترتیب بدون آنکه تعهدی کرده باشیم مقصود را انجام میدهم .

از متخصصین سایر رشته ها بهره زیادی نخواهیم برد زیرا بین یهود متخصصین فنی کمتر پیدا میشود و به نویسندگی و حقوق دان و وکیل مدافع و نقاش و موسیقی دان هم عجاله احتیاجی نداریم مگر آنکه برای مدرسه حقوق و علوم سیاسی خواهیم چند نفر از میان آنها استخدام کنیم . در این صورت

تصویر ۷: نامه‌ی سفارت ایران در بغداد به وزارت امور خارجه درباره‌ی موضوع مهاجرت پزشکان آلمانی یهودی به ایران^۱

^۱ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۱۳۰۸۷/۳۱۰، نمره سند ۵۳۵۱، ۱۳۱۲/۱۲/۰۷.

اصفهان - اول اسفند ۱۳۱۳
 مقام منبع حضرت ابروف حکمران حبیبه اصفهان دست خطمه
 با کمال توقیر و احترام خاطر عالی را تحفه میدارد و فوق العاده تقویم است که در این عرصه تا قبل
 از مراجع و الطاف حضرت ابروف و از اطمینان و اعتماد و وزارت حبیبه داخله است
 بنده در مرگه مورخه ۱۱ بهمن ۱۳۱۳ ابراز فرموده اند اظهار تشکر و امتنان بنجام و همچنین
 به اندازه سعوف هم از اینکه اجازه فرموده اند بنده کتف استهکلی در نقاط مختلفه ایران نکرده
 و ضمیمه مربوط با مراض مالاریا و سفلیس را واکم . از این لحاظ بجز در یافت مرگه حضرت
 ابروف بلا فاصله بهارخانه ضمیمه مرزبور کاغذ نوشته اطلاعات جامع راجع به حقیقت و دوزن
 ضمیمه خواسته ام . و اما پیشنها دهنده در خصوص کتف استهکلی بقرار ذیل است
 بنده احتیاج به یک ترجمه از اس فرستادم در نقاط مختلفه . اینفر کتفم او کتف ترجمه و دوزن
 سو قزمان حقوق دارم . و ما یوم کتف استهکلی بنویسان فارسی اراد نام و به بواسطه عدم امکان
 کامله باین زبان نمیتوانم بنویسم لکن بعد از کتف از این خواسته بخوبی جواب دهم
 در صورتیکه حضرت ابروف و وزارت حبیبه داخله مایل باشند در اغلب شهرها هم ایران
 نطق مرزبور را ارا دکنم گمان کنم سه ماه کافی باشد . در اینصورت خود شمنه است
 ای شهر کتف کتف نقطه نظر حضرت ابروف واقع شده اند بنده اطلاع دهنده
 در خانه احترامات فائده و شکوات صمیمانه را تقدیم میدارد
 دکتر دکتر

تصویر ۸: نامه‌ی دکتر آلمانی یهودی فوکس برای درخواست ورود فیلم‌های آموزشی درباره‌ی بیماری سفلیس و مالاریا به ایران و پرداخت هزینه‌ی سفر او به نقاط مختلف ایران برای سخنرانی آموزشی درباره‌ی این بیماری‌ها از سوی دولت^۱

^۱ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۲۹۱/۹۰۲، ۱۳۱۳/۱۲/۰۱.



نخست وزیر

بتاریخ ۱۳۲۵ - ۳۰ - ۱۸

شماره ۳۳۷۴

پیوست

محرمانه و مستقیم

وزارت فرهنگ

راجح با استخدام پرستاران آلمان برای بیمارستان پانصد تخت خوابی که بدقت مخصوص
شاهنشاهی گزارش داد و ایداشعارمیدارد *

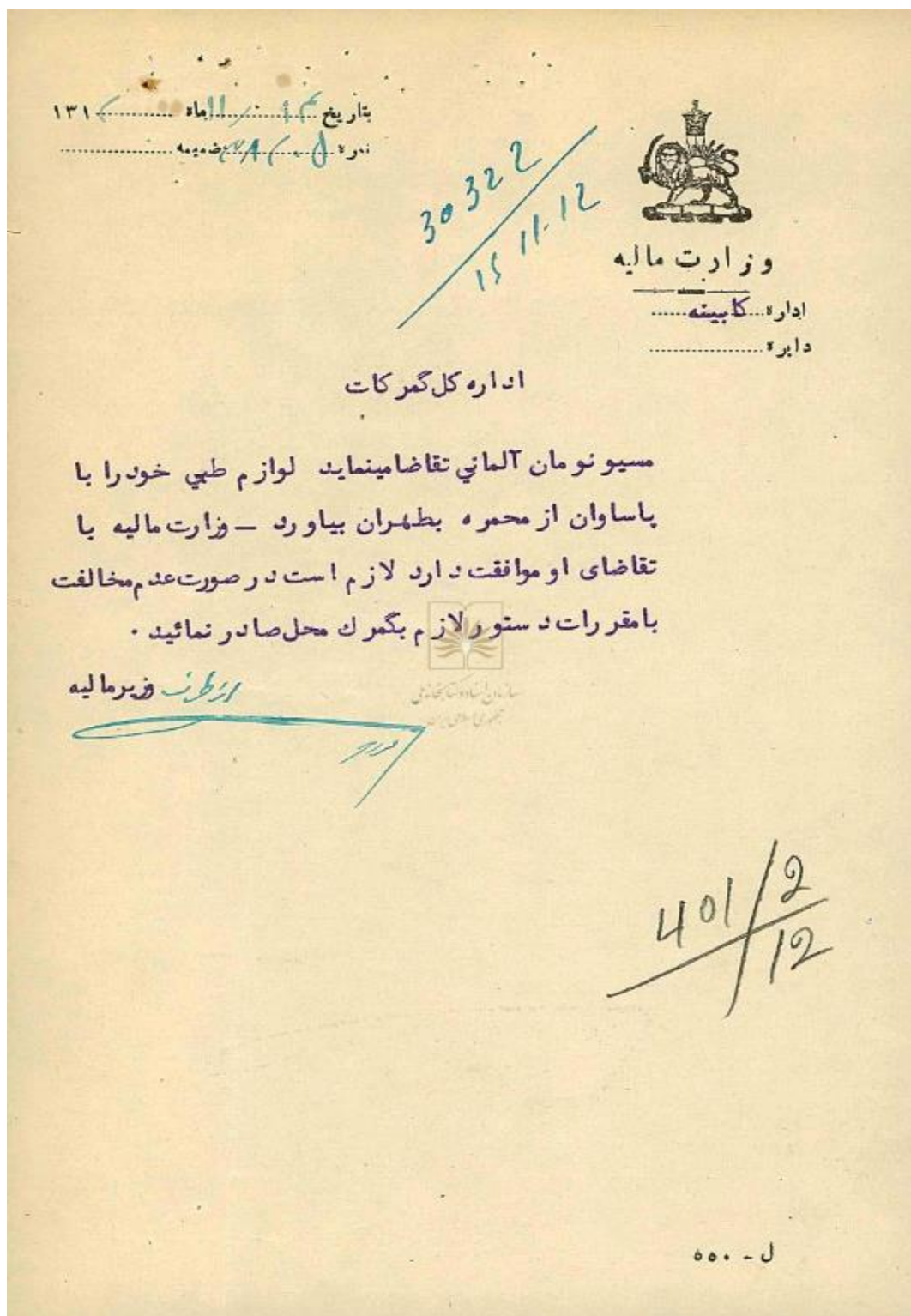
مراتب بشرفعرض پیشگاه مبارک ملوکانه رسید و مقرر فرموده اند ((د و نفر یکی بعنوان
سرپرستار و دیگری معاون او را آلمان استخدام شوند و وظیفه اصلی و عمد آنها آموزشکاری
پرستاری باشد و در بیمارستان استخدام آنها قید شود که باید پرستار تهیه و تربیت نمایند و چنانچه
برای بیمارستان مجدداً استخدام پرستار ضرورت پیدا کند بستم بنظر رئیس بیمارستان
خواهد بود و فعلاً در این قسمت تعهدی نباید بشود شرایط استخدام این د و نفر نیز گه
بوسیله سفارت شاهنشاهی ایران ایشانها د شده است چنانچه با شرایط عادی و متناسب
در اینگونه موارد مطابقت میکنند اجازه د اده میشود قبول نمایند و الا هرگاه شرط فوق العاده
و خاصی اظهار رود درخواست شده باشد باید برای کسب اجازه مراتب بعرض پیشگاه مبارک
برسد)) *

قدغن فرمائید در اجرای فرمان مطاع مبارک ملوکانه بهمین ترتیب اقدام نمایند *

نخست وزیر
مستقیم

تصویر ۹: نامه‌ی محرمانه نخست وزیر علی منصور به وزارت فرهنگ در زمینه استخدام سرپرستار و معاون سرپرستار از
آلمان برای کار در بیمارستان پانصد تخت خوابی^۱

^۱ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۲۷۰/۵۲۱، نمره سند ۳۳۷۷، ۱۳۲۰/۰۳/۱۸.



تصویر ۱۰: نامه‌ی وزیر مالیه به اداره‌ی کل گمرکات در زمینه‌ی تجهیزات پزشکی دکتر نومان^۱

^۱ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۲۴۰/۹۲۲۹۳، نمره سند ۳۸۲۰۵۰، ۱۳۱۲/۱۱/۱۴.

German Jewish Physicians in Iran during Reza Shah Era: A Documentary Examination of Migration and Employment

Abstract

This study critically examines the role and initiatives of the Iranian government concerning the recruitment of German Jewish immigrant physicians during the Reza Shah era, utilizing a comprehensive analysis of official documents and correspondence. Through a documentary-library methodology and a descriptive-analytical approach, the research explores both state policies and the motivations of immigrant doctors, as reflected in their petitions and communications with Iranian authorities. Findings reveal that the Iranian government actively sought to modernize its medical infrastructure by attracting foreign medical professionals. The rise of Nazism in Germany in 1933 and the consequent unemployment of Jewish physicians facilitated this strategic opportunity. Nonetheless, administrative inefficiencies, political apprehensions, and legal constraints significantly hindered the optimal integration of these medical practitioners. The study concludes that the interplay of these enabling and limiting factors resulted in a complex dynamic that simultaneously propelled and constrained the modernization of Iran's healthcare system during this period.

Keywords: German Jewish Physicians, Reza Shah, Medical Infrastructure, Nazism, The Modernization